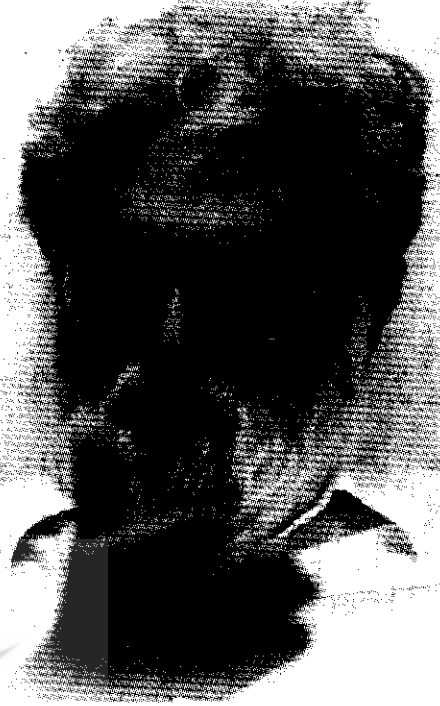


محاكمه

گفت و گو با
احسان نراقی



عراقی‌ها حق داشتیم آن‌جا را تصرف کنیم. این حرف‌های صدام درست مطابق میل تعصبی ناسیونالیسم عربی است. اگر این محاکمه به این صورت در عراق جلو برود، ناسیونالیسم عرب را تهییج می‌کند و غائله‌ی جدیدی ایجاد می‌کند که نه به استقرار صلح کمک می‌کند و نه به تعیین خطا و جرایم صدام و شریک‌جرم‌هاشان. این است که من امروز صبح در مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی فیگارو گفتم که صدام باید نظیر میلوسویچ در دادگاه جنایی بین‌المللی محاکمه شود، نظیر یاران هیتلر که در نورمبرگ محاکمه شدند. خوش‌بختانه در این چند سال قواعد حقوق بین‌الملل ترقی کرده و برای تمام این مسایل راه حل نشان داده است.

مجموعه‌ی اعمال صدام زیرعنوان جنایت بر علیه بشریت خلاصه می‌شود. تمام مشخصات این جرم در صدام وجود دارد؛ هم جنایت جنگی، هم جنایت علیه صلح و هم جنایت علیه بشریت؛ برای مثال آتش‌زدن چاه‌های نفت کویت بر طبق قواعد بین‌المللی، جرمی فاحش علیه بشریت است. در محاکمه‌ی نورمبرگ، افسران آلمانی برای آتش‌زدن جنگل‌های لهستان در زمان جنگ جهانی دوم محاکمه شدند. پس وقتی آلمانی‌ها را برای آتش‌زدن جنگل محکوم می‌کنند، آتش‌زدن چاه نفت که جای خود دارد، چون منابع آینده و زندگی ملتی است. از دیگر جنایات صدام، استفاده از گازهای شیمیایی در سردشت بود. هنوز بیماران بمب شیمیایی به من گفتند عده‌ای زیادی هستند، چندین هزار نفرند که بمب شیمیایی به آن‌ها اثر کرده. بنابراین، این موارد و دلایل خاصی است که ما می‌توانیم با حضور در

جناب دکتر احسان نراقی، خیلی سپاس گزاریم که دعوت ماهنامه‌ی حافظ را پذیرا شدید، تا نظر خود را درباره‌ی مسایل مبتلا به ملی و بین‌المللی ایران مطرح کنید. بنابراین خواهش می‌کنم هر آن چیزی را که در حقیقت به نظر جناب‌عالی در حال حاضر مهم‌ترین مسأله‌ی ایران است، عنوان کنید. شاید چون مردادماه در پیش است، بخواهید از مشروطه شروع کنیم.

○ نه، به عقیده‌ی من، مهم‌ترین مسأله این روزها بحث محاکمه‌ی صدام است.

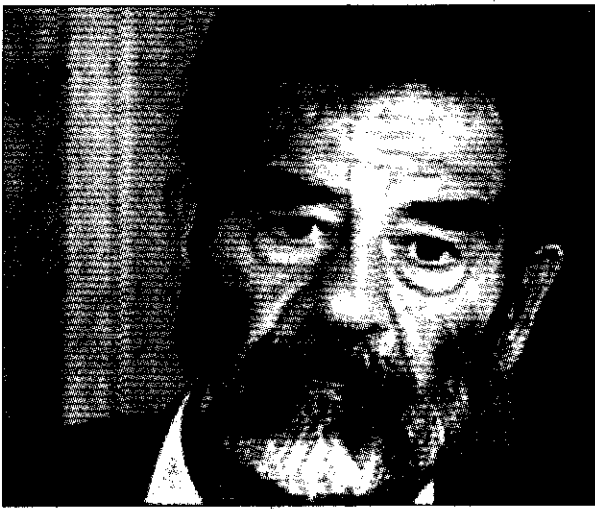
● بسیار خوب. بحث استحقاق ایران به دریافت غرامت از عراق بایستی از جهت احقاق حقوق ایران در محاکمه‌ی صدام، موضع واقعی ایران باشد و منافع درازمدت ایران اقتضا می‌کند که ما از عراق که عامل اصلی زیان‌های مادی و معنوی حاصل از جنگ بوده است، غرامت بگیریم. خواهش می‌کنم نظرتان را در این خصوص بفرمایید، تا خوانندگان ما و احیاناً مسؤولان استفاده کنند. آیا دولت جمهوری اسلامی ایران در این باب چه موضعی دارد؟

○ دولت ایران، موضعی ندارد، بی‌موضع است. ما باید اول متوجه باشیم که گفت: «ره چنان رو که ره‌روان رفتند». شما نمی‌توانید ادعای خسارت بکنید، ولی جرمی را که به موجب آن خسارت به شما تعلق می‌گیرد، مشخص نکنید. در حال حاضر، متأسفانه دادگاه دارد جنبه‌ی عراقی و ملی به خودش می‌گیرد. اخیراً که صدام مقابل تلویزیون حرف زد، گفت: اولاً در جنگ، ایرانیان حمله کردند، پس مقصر ایران است؛ دوم این‌که کویت هم جزء عراق است و ما



صدام

ضرورت دفاع از حقوق ایران



دانشجویان در دانشگاه حرف بزنمی، نگویید که بسیار کار خوبی کردید، بگویید کاری کردید که از یک جهت قابل توجه است که در مقابل یک عمل خشن ضدانسانی و ضدملی آمریکا که به هر صورت آلت انگلیس شده بود، صورت گرفت. آمریکا به خاطر فشار انگلیس بود که در این کار شرکت کرد. کودتای ۲۸ مرداد برای ملت ایران یک زخم عمیق است و شما می‌توانید بگویید که ما روی جوش و خروش ملی، احساسات جوانان را در این دوره درک می‌کنیم، این‌ها آمدند فکر کنند که تلافی کنند، بیایند در سفارت یک عده را بگیرند به اسارت، ولی باید به آنان بگویید که آقا این‌ها را نباید نگاه‌شان دارید. باید یک عده آدم‌های وارد به علوم سیاسی و دیپلمات‌شناس‌های معروف و زبان‌دان را بیاورید برای این آمریکایی‌ها توضیح بدهند چرا شما این کار را کردید که بعد از یک هفته، ده روز، شما می‌توانید این‌ها را تا فرودگاه با عزت و احترام همراهی کنید، به هر کدام‌شان هم یادگاری یک قالیچه بدهید و این‌ها در آمریکا مبلغ شما می‌شوند. آمریکایی ثابت کرده این کار را می‌کنند. همین الان چه قدر مقاله ضدبوش و ضدجنگ در روزنامه‌های آمریکایی خواندید. این محیط امریکاست. خشونت هم می‌کند، این هم هست، یعنی اگر با این گروگان‌ها رفتار معقولی کرده بودند، آن‌ها بهترین مبلغ ما بودند، برای این که بگوییم آمریکا با کودتای ۲۸ مرداد نسبت به ما عمل بدی کرده، اما نگاه‌داشتن آن‌ها برای ۱۴۴-۱۴۵ روز، جرم ما را سنگین کرد و این را از یادشان برد که مرتکب چه اعمالی شدند. البته خوب از این موضوع صدام استفاده کرد، قبول، ولی ربطی به صدام ندارد. این مسئله جنایات او را توجیه نمی‌کند که چون ما خطایی کردیم و دنیا و جو بین‌المللی را بر علیه خودمان نشان‌دادیم. عمل صدام عمل خلافی بوده و برطبق تمام موازین حقوقی قابل تعقیب است، بنابراین باید ما هم در دادگاه حضور داشته باشیم و اعمالی که صدام مرتکب شده، بگوییم و نشان بدهیم و محکوم کنیم. و اما رفتار دولت ایران: دبیرکل سابق سازمان ملل در همان ماه‌های آخر مأموریت‌اش با صراحت گفت جنگ ایران

دادگاه نشان دهیم، از کنیم و عراقی‌ها را تعقیب کنیم و ثابت کنیم جنایات صدام بر علیه انسانیت بود.

عراق حتا فرزندان ما را که در سازمان مجاهدین بودند، با خیانت مسعود رجوی، وسیله قرار داد تا مرتکب کشتار کردها شوند. جلال طالبانی رسماً این مسأله را افشا کرد. جلال طالبانی طی مصاحبه‌ای در یک روزنامه‌ی آمریکایی که من دو سال پیش خواندم، گفته بود که چند هزار کرد را مجاهدین نابود کردند، چون در پایان جنگ ارتش صدام خیلی تضعیف شده بود و آن شش، هفت هزار نفر مجاهدین دست‌نخورده مانده بودند و آقای مسعود رجوی هم در خدمت صدام حسین بود، گفت می‌خواهم حمله کنم هم به کردها و هم به شیعیان. در هر دو قتل و کشتار، مجاهدین بودند، یعنی مردم یک مملکتی را وادار کرده به کشتار کسانی برونند که هیچ‌گونه مناسبتی با آن مملکت خودشان ندارند. چه‌طور حاضریم کرد را ببندیم به مسلسل، یعنی یک آدمی که منحرف شده با این تعلیمات مارکسیستی غیرایرانی وادارش کرده به این کار.

صدام انواع جنایات را که می‌شده تحت عنوان جنایت علیه بشریت ذکر کرده، مرتکب شده، پس باید یک دادگاه بین‌المللی تشکیل شود چرا که در مقابل دیدگان جهانیان بود که آقای صدام چند روز قبل از حمله به ایران قرارداد ۱۹۷۵ را پاره کرد. یعنی قراردادی که به موجب آن، مسایل میان ایران و عراق - اروندرود و بعد هم قضیه‌ی سه جزیره‌ی ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک - حل شده بود. برای این‌که به عرب‌ها زمینه بدهد. این کار او یک زمینه‌سازی بود برای این که عرب‌ها را با خودش همراه کند.

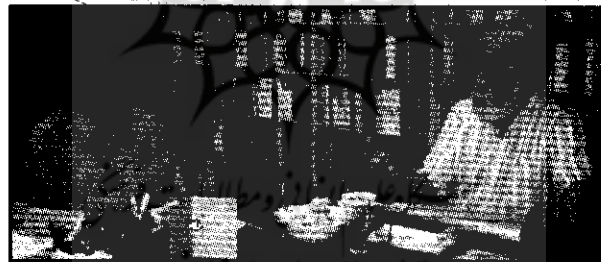
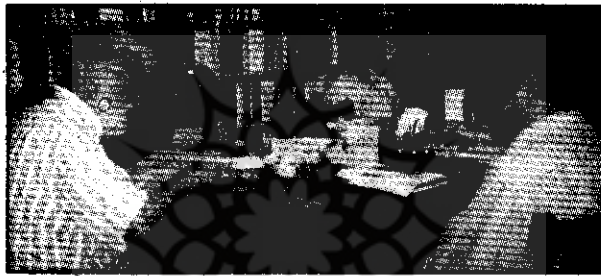
البته ما خطا کردیم و خطامان این بود که وقتی سفارت اشغال شد، آقای بنی‌صدر که شاگردم بود، همکارم بود، وقتی که وزیر خارجه بود، آمد پیش من، گفت چه کار کنم، گفتم تو وقتی می‌روی با



و محاکمه‌ی بین‌المللی. به هر حال امیدوارم آقایان توجه کنند، هم حقوق‌دانان ایران و استادان حقوق باید این مسأله را بیش‌تر عنوان کنند و آن را بسط بدهند و آن‌ها هم دست‌شان باز بشود. ان‌شاء‌الله که این موضوع به این ترتیب سر بگیرد.

• آقای دکتر، در جنایات صدام و سران رژیم بعث علیه بشریت Crimes against humanity شکی نیست. شروع جنگ علیه ایران و کویت، استفاده از سلاح‌های ممنوع، سرکوب و شکنجه و حذف فیزیکی اپوزیسیون داخلی و امثال این‌ها جرایم مسلم است. دولت ایران هیچ‌گاه رأساً در قیام محاکمه‌ی جانیان جنگی عراق در دادگاه‌های داخلی نبوده و نیست، در حالی که برابر کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ۱۹۴۹ که مجلس شورای ملی ایران هم در ۱۳۳۴ آن را تصویب کرده است، دادگاه‌های ایران صلاحیت محاکمه‌ی مباشر و آمر جنایات جنگی را داشته و دارد، منتهی این صلاحیت اساساً محدود به آن دسته از افسران عراقی است که در ایران دستگیر شده باشند.

در خصوص محاکمه‌ی صدام در دادگاه‌های بین‌المللی که جناب عالی به سابقه‌ی دادگاه نورمبرگ اشاره فرمودید، آن دادگاه را دول فاتح (متفقین) در آلمان دایر کردند و لذا یک دادگاه اختصاصی بود. هم‌چنین دادگاه کیفری بین‌المللی لاهه برای یوگسلاوی سابق، یک دادگاه اختصاصی محدود برای یک جنگ در زمان و مکان معین است. با توجه به این‌که از جهت محاکمه‌ی جنایات علیه بشریت که این‌ها در یک



کنوانسیون بین‌المللی (زم - ۱۹۹۸). تدوین شده و یک دادگاه مخصوصی با عنوان دیوان کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به این جور جرایم تعیین شده، اما این دیوان بین‌المللی که از اول ژوئیه ۲۰۰۲ رسماً شروع به کار کرده، در ساختار آن و در صلاحیت‌های آن دادگاه قید شده که آن قانون و آن کنوانسیون عطف به ما سبق نمی‌شود، یعنی جرایم صدام قبل از ژوئیه ۲۰۰۲ اتفاق افتاده و به‌علاوه در عراق که عضو آن کنوانسیون نمی‌باشد، اتفاق افتاده.

بله در آن قید شده که جرایمی که از آن تاریخ به بعد باشند، به‌وسیله‌ی دیوان بین‌المللی کیفری قابل پیگیری و رسیدگی است، اما اگر قبل از آن باشد، قابل رسیدگی نیست. بنابراین از جهت سازمان ملل متحد و از جهت حفظ امنیت صلح جهانی، یک مرجع به‌خصوص در حال حاضر صلاحیت رسیدگی به جنایات صدام علیه بشریت را ندارد، بلکه اگر بنا باشد که این محاکمه حالت بین‌المللی به خودش بگیرد،

عراق را عراق پیش‌قدم شد، بنابراین محکومیت عراق زمین‌ه‌ی خوبی داشت، ولی متأسفانه ما دنبال نکردیم. دیپلمات‌های ایران دنبال نکردند که هیچی، بعد در یکی دو سال قبل از حمله‌ی متفقین انگلیس و امریکا به عراق، ما روابط خیلی عاشقانه هم با عراقی پیدا کردیم، با آقای صدام، کما این‌که فلان‌خانم که نماینده‌ی مجلس هم شده بود، رفت عراق و با پسر صدام حسین که جنایت‌اش دارد آشکار می‌شود، عکس گرفت. ما با اعوان صدام که این همه ایرانی را کشته، یک دوستی خاله‌خرسک بی‌معنی را با آن‌ها شروع کردیم، بدون این‌که مشکلات‌مان را حل کرده باشیم و بدون این‌که خسارات‌مان را لاقل برای یک ارگان بین‌المللی تبیین کرده باشیم. کویت آمد در سازمان ملل، در شورای امنیت و آن‌ها را وادار کرد که حمله‌ی صدام را محکوم کنند، ولی ما این کار را نکردیم، ما تا آخر، هنوز هم که هنوز است، علیه صدام وارد دعوی نشده‌ایم. اخیراً دیدم که آقایان می‌گویند که ما به دادگاه صدام کاری نداریم، ولی

غرامت‌مان را می‌خواهیم. غرامت وقتی می‌دهند که جرم را ثابت کنید، جرمی که ثابت نشده، چه غرامتی مطالبه می‌کنیم. بنابراین بنده امیدوارم که مقامات جمهوری اسلامی با استفاده از نظرات کارشناسان حقوق بین‌الملل، این موضوع را تعقیب کنند و وادار کنند سازمان ملل را.

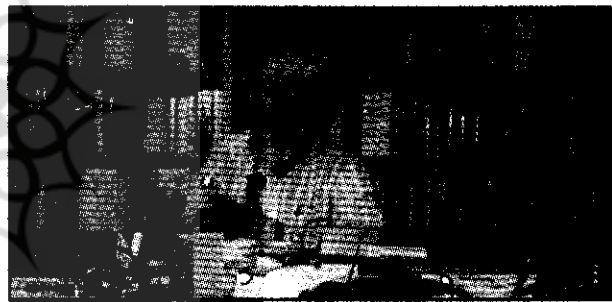
بنده اول صحبت‌ام گفتم، امیدوارم عراقی‌ها خرسندی کافی داشته باشند که برای زندگی در منطقه با همسایه‌ها بهترین راه این است که این

محاکمه جنبه‌ی بین‌المللی به خود بگیرد. اگر این‌که تحریک احساسات عرب می‌خواهند بکنند، خودش بیش‌تر است. البته شاید که غربی‌هایی که بمب شیمیایی به صدام دادند، خیلی خوش‌حال نباشند که این موضوع علنی باشد، ولی این نباید مانع از این بشود که ما حرف‌مان را بزنیم، ما باید حرف حق خودمان را به دنیا بزنیم، ولو این‌که گوشی نباشد؛ در تاریخ می‌ماند. شما الان تحقیق تاریخ حقوق آقای پروفیسور را ببینید، بنده کتاب تاریخ حقوق ایران شما را چند شب است که می‌خوانم و هم استفاده کردم و هم این‌که وقایع کوچک و کوچک پیش هم از نظر تحقیقی دور نیست، ما باید حرف‌مان را قشنگ و محکم بزنیم تا جهانیان متوجه بشوند. ما اگر الان کوتاه بیاییم و اصرار به این نکنیم که این محاکمه باید بین‌المللی باشد، جهانیان بعد حرف ما را گوش نمی‌دهند، دیگر ما را ذی‌حق نمی‌شناسند زیرا که ما پشت می‌کنیم به یک هم‌چنین



مستلزم توافق کسانی است که حقی در اداره‌ی این محاکمه دارند، یعنی هم کشورهای شاکی و هم کسانی که مشتکی عنه و متهم هستند و نهایتاً محکوم خواهند شد. از یک جهت، دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی ندارد و از طرف دیگر کشورهای فاتح (متفقین) به خلاف دادگاه نورمبرگ تشکیل دادگاه ندادند. بنابراین، باید تحقیق کرد که آیا ساختار آن محاکمه چه خواهد بود. در کدام کشور می‌تواند قرار بگیرد، جرم در حوزه‌ی قضایی عراق واقع شده و قواعدی حقوقی که باید درش مطرح باشد، کسانی که در آن جا می‌خواهند کار بکنند، این‌ها همه مباحثی است که مستلزم رسیدگی بیش‌تری از جهت تخصصی و حقوقی است.

اما مسأله‌ای که به‌نظر من حائز اهمیت است، توجه یا ناموجه بودن موضع جمهوری اسلامی ایران در برابر محاکمه‌ی صدام در عراق و عدم اتخاذ فرصت برای شرکت موفقیت‌آمیز در مطالبه‌ی خسارات جنگی علیه عراق هست، چون که واقعاً از جهت مادی و معنوی خساراتی که به ایران خورده، فوق‌العاده زیاد است و باید برابر هر اصلی از اصول عدالت و حقوق و انسانیت، این حقوق بازیافت شود. جناب عالی فکر



می‌کنید که دلایل موضع‌گیری فعلی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

○ دلایل موضع‌نگرفتن‌شان چیست، برای این که دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، دیپلماسی ملی که توأم با یک نتایج به نفع مصالح ملی باشد، معمولاً نبوده، دیپلماسی احساساتی است. در بم آقایان در نماز جمعه چیزی می‌گویند، فردا یادشان می‌رود و دنبال نمی‌کنند، دنباله ندارد.

دیپلماسی مقام‌اش در تعقیب و دنبال کردن است. امروز در برخی جاها می‌بینیم که مطالب ۵۰ سال پیش را مطرح می‌کنند. دیپلماسی ما چنین دستگاهی را ندارد و چنین بینشی هم نیست. همه کارهاشان روزمره است. کار پیگیر با دوام ندارند و این‌جا مجبوریم که این کار را بکنیم. بنده اولاً توضیح دهم در مورد مطلب اولی که فرمودید. اولاً خود جناب عالی حقوق‌دان هستید. بدانید که یکی از منابع حقوق، سابقه *Précedent* است، سوابق هست. بنده به همین جهت نام بردم از دو سابقه، محاکمه‌ی میلوو ریچ و محاکمه‌ی هیتلر و یارانش، شما در مقابل هر ارگان یا سازمان ملی یا بین‌المللی یا

مجمع عمومی سازمان یا شورای امنیت یا دیوان داوری لاهه، می‌توانید عنوان کنید لزوم این محاکمه را و به‌حق بدانید که تمام حقوق‌دانان بی‌نظر دنیا به شما حق می‌دهند، ولی چنین تلاشی را جمهوری اسلامی نکرده که این مسأله را در یک ارگان بین‌المللی مطرح بکند که بعد احتمالاً بربخورد به ایراداتی که فرمودید و جواب‌اش را بتواند تهیه کند و بدهد. مگر نبود جریان دکتر مصدق، رفت و مطلب‌اش را برد به لاهه، دیوان دادرسی لاهه.

● انگلیس از ایران به دیوان لاهه شکایت کرد، نه که ایران برود. مصدق برای دفاع رفت.

○ به هر حال، آن‌جا هم آسان نبود، ولی می‌گفتند این مطلب قابل طرح نیست، اما بالاخره مصدق مسأله را به شورای امنیت برد و گفت: ببینیم چه می‌شود. دیوان داوری گفت حق با ایران است و باید مطرح شود.

تقاضای محاکمه‌ی صدام به تلاش دیپلماسی ما مربوط می‌شود و ما زمینه داریم، شواهد داریم. فوق قانون، فوق مقررات شواهد انسانی. هنوز مصدومین بمب شیمیایی دارند می‌میرند، بعد از ده، ۱۲ سال، زنده و حی و حاضر. خلاصه دیوان‌های بین‌المللی می‌توانند این را ببینند. بنابراین این کوشش و جوش و خروش را که بنده می‌خواهم در مسؤولان بینیم را نمی‌بینم، که مسؤولان در فکر این باشند که ما این خسارت ایران را مطالبه‌کنند. در مثل شش ماه یک‌بار یک چیزی می‌گویند، فردا فراموش می‌شود، دومرتبه یک سال دیگر می‌گویند خسارت، خسارتی که تعقیب نشود، خسارت نیست. شما می‌توانید دعوایی در محکمه مطرح کنید، بعد دو سال بروید مرخصی؟ و سال سوم بیایید و بگویید که آقای قاضی شما با درخواست من چه کردید. این مسأله است. باید دستگاه منظم و پیگیری مطلب را دنبال بکند و جمهوری اسلامی را هم، بنده معتقدم که باید به ایشان گفت که مصالح ملی ایجاب می‌کند بالاخره مقامات ایرانی هرچه ادعای اسلامیت می‌کنند، اما ناسیونالیسم‌شان که جایی نرفته و این‌ها فرزندان این آب و خاک‌اند و من می‌دانم که هزاران نفر جوان رفتند و در راه ایران و اسلام کشته شدند، پس شما می‌بینید که این حس درشان هست، شما باید این حس را در آن‌ها بیدار کنید، و بگویید که آقایان نماینده‌ی مجلس حواس‌تان جمع باشد، این فجایع صدام بوده بر ما، باید راجع به این موضوع تصمیم بگیریم. به‌نظر بنده اقل قابل طرح است، هنوز طرح نکردیم ما. وقتی آقایون می‌گویند که ما کاری به دادگاه نداریم، اساساً از مطالبه‌ی حقوق ایران چشم پوشیده‌اند، استعفا دادند، از هرگونه پیگیری و حق‌طلبی، بله، پس نداشتن موضع ما مهم است. اول باید موضع قوی معتقد به خود داشته باشید، بعد راه‌های قانونی‌اش را پیدا کنید، به‌طور طبیعی هر پدر شهید جنگی خوش‌حال می‌شود که شما تعقیب کنید صدام را. این را می‌خواهید، راه پیدا کردن‌اش با متخصصین شماست، با دیپلمات‌های شماست، تا راهش را پیدا کنید. ولی این کار را باید ما بکنیم. این مسؤولیت اخلاقی و تاریخی جمهوری اسلامی است در این بخش از تاریخ.



● شاید علت عمده برای عدم مشارکت ایران در این مسأله‌ی مهم، ترس و واهمه‌ی ایران از امریکا باشد و نظرش این باشد که چون این محاکمه به هر حال در شرایطی اتفاق می‌افتد که امریکا به‌عنوان نیروی اشغال‌گر در آن جا حرف اول و آخر را در زمینه‌های مختلف می‌زند، اگر ایران به آن جا برود و جزء کسانی باشد که مشارکت در این دادگاه بکند، به‌نوعی نشان‌دهنده‌ی این باشد که جمهوری اسلامی ایران دارد برنامہ‌های امریکا را تأیید می‌کند، فکر می‌کنید که این توجیه معقولی است یا این که یک واهمه‌ی بی‌دلیل است.

○ این فرمایش که سرکار فرمودید، در مقابل عظمت کار ناچیز است. این مسأله آن قدر مهم است برای ما، ما یک‌بار مورد حمله‌ی سیستماتیک یک کشور همسایه قرار گرفتیم. در این ۲۰ سال از جنگ ایران و روس به این طرف، باید موضع خودمان را در دنیا در قبال این مسأله روشن کنیم. در تاریخ فردا، فرزندانمان به صورت‌مان تف خواهند کرد و به ما می‌گویند که شما چرا اقدام نکردید. این حمله‌ی صریح و علنی که صدام به خاک شما کرده است و رسماً قرارداد تاریخ ۱۹۷۵ را پاره کرد، بنابراین به‌نظر بنده باید اولاً ما اقدام خود را مطرح بکنیم، آخر می‌توانیم بگوییم که ما کوشش کردیم، دلایل را هم عنوان کردیم، از لحاظ حقوقی گفتند شما حقی ندارید یا نشد و یا گفتند حق هم دارید اما هنوز تدابیر حقوقی کافی به‌وجود نیامده است. اما باید ما نشان دهیم که معترضیم، ما خودمان خواهان استقرار عدالتی هستیم. این را تا حالا نکردند.

● استاد شاید من به‌قول فرنگی‌ها Devil Advocate هستم، یعنی دارم حرف‌های مخالف را می‌زنم. شاید یک دلیل دیگری که به‌نظر می‌رسد که موجب عدم مشارکت ایران باشد، این باشد که جمهوری اسلامی ایران واهمه دارد که

اگر این که تمام مباحث جنگ از آغاز تا پایان بررسی شود، در یک محکمه‌ی بین‌المللی، به این نتیجه برسد که آغازگر جنگ عراق بود، اما تداوم‌اش به‌مدت شش سال، یعنی پس از فتح خرمشهر، تقصیر صدام نبوده، نتیجه‌ی منطقی این که در حقیقت مسؤلیت ادامه‌ی جنگ و تداوم خسارات جنگی با دولت عراق نیست، برای این که دولت عراق یک عمل مجرمانه کرده که حمله کرده، اما بعد گفته که من آمادگی صلح را دارم و این دولت جمهوری اسلامی ایران بوده که بر اثر اهداف دیگری از جمله رسیدن به قدس و فتح فلسطین و از بین بردن اسرائیل و برقراری حکومت اسلامی در عراق، دوست نداشته که به جنگ پایان بدهد و گفته که ما تا فتح فلسطین ادامه خواهیم داد، شاید مقامات جمهوری اسلامی ایران یک ترس و واهمه‌ای از این جهت دارند که با مشارکت در محاکمه‌ی صدام و مطالبه‌ی خسارت، خودشان به‌دست

خودشان فرصت محاکمه‌شدن خودشان را به دشمن می‌دهند و خودشان را بالقوه در معرض اتهام می‌گذارند.

○ ببینید به هر صورت بنده خیال می‌کنم که اگر هم این دلایل وجود داشته که ایران وحشت داشته که بعدها آن را مقصر بدانند، ولی شروع جنگ را که رسماً عراق کرده، در این که شکی نیست و این از همه مهم‌تر است. وقتی جنگی شروع شده، بعد خیلی اتفاق می‌افتد که طرف به‌آسانی تن نمی‌دهد به صلح، برای این که ضربه‌ی اول جنگ است و اثبات این که شروع جنگ با عراق بوده، برای ما خیلی مهم است و این هم بیچاره بروزخار داد دست ما و این مهم است. بعد ما می‌توانیم دلایل دیگر را جوری تضعیف کنیم و بگوییم که بوده، ولی واقع‌اش این بوده که شما حمله کردید به عرق ملی ما، صدمه زدید، ما را آشفته کردید، و ما نمی‌توانستیم مردم را راضی کنیم به‌آسانی برگردیم و تلافی نکنیم، برای این که عمل شما یک عمل خلافی بوده است، بنابراین ترس بی‌جاست و به فرض این که ما هم مقصریم، خیلی خوب، در تقسیم‌بندی تقصیر صدام ۱۰۰ است و تقصیر ما ۲ است. ما باید این را بگوییم که تاریخ نباید با تاریخ نمی‌شود بازی کرد. بعضی افکار فکر می‌کنند که می‌شود سر تاریخ کلاه گذاشت، اما نمی‌شود، تاریخ اگر ۲۰ سال هم بگذرد، یک مورخ پیدا می‌شود و می‌کشد بیرون و می‌گوید این خطای شماست. امروز اگر ما تعقیب نکنیم این جریان را در یک محکمه‌ی بین‌المللی، نسل‌های بعدی ما را نفرین خواهند کرد و می‌گویند که شما کاری کردید که حق ما از بین رفت، حق ایران و تاریخ ایران؛ خلاصه نگذاشتید که مورد تجاوز قرار گرفتن ایران در دنیا شناخته شود.

● دادگاه حاضر در عراق بر اساس تصمیمی است که شورای حکومت موقت عراق در ژوئیه ۱۳۸۳ (آذر ۸۲) برای محاکمه‌ی صدام و سران رژیم بعث تصویب کرده است. رسیدگی به جرم تجاوز نظامی عراق به ایران، در دستور کار این دادگاه نیست. شاید ایران بتواند از شورای امنیت تقاضای تأسیس یک دادگاه ویژه‌ی بین‌المللی (شبهه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق) بکند، اما در آن صورت، همان‌طور که گفتیم مشکل این است که در چنان دادگاهی عملکرد ایران نیز در معرض رسیدگی قضایی بین‌المللی قرار می‌گیرد و جمهوری اسلامی ایران در جو بین‌المللی حاضر نباید انتظار داشته باشد که یک‌چنین دادگاه بین‌المللی، فقط سران رژیم عراق را محکوم کند و نقض کنوانسیون‌های بین‌المللی به‌دست ایران را به‌دست فراموشی بسپارد. من گمان می‌کنم که دلیل عمده‌ی سکوت دولت ایران در این ابواب ترس از همین دردسرهای حقوقی و حقوق بشری است. ■

